

تأثیر فرهنگ اسلامی در اشعار رودکی در دوره ی امیر نصر دوم سامانی^۱

مُجیر مددی^۱، زهرا سلیمانی^۲

^۱ استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

^۲ کارشناس ارشد تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، اداره آموزش و پرورش، زنجان، ایران

چکیده

رودکی را شاعر بزرگ پارسی یا پدر شعر ایران نامیده اند و اشعار او را حدود صد هزار بیت تخمین زده اند که به جز معدودی همه از میان رفته است؛ اگرچه حجم ادبیات به جا مانده از رودکی بسیار اندک است با این حال به صراحت تأثیر فرهنگ اسلامی را در ابیات وی می توان مشاهده کرد. بیان جنبه های مختلف زیبایی شناسی و تبیین ارزش های اخلاقی و مسائل انسانی و عرضه ی جهان بینی مبتنی بر تساهل و تسامح و ابراز عقاید و افکار مردم شناسی و آنچه مایه ی سعادت و سلامت یک ملت و جامعه است به زبانی ساده، لطیف، پرتخیل و زیبا از مشخصه های اشعار رودکی است که به نوعی هویت ایرانی اسلامی را به روشنی بیان می کند؛ در واقع شعر او عصاره و چکیده ی فرهنگ ایرانی است که فرهنگ اسلامی آن را تقویت کرده و هرچه بیشتر به آن غنا بخشیده است. این مقاله بر آن است که با استفاده از روش تحقیقی توصیفی و مستندنگاری تاریخی و رجوع به کتب تاریخی، ادبی دوره ی سامانی، خواننده را با تمامی زوایای ادبی در دوره حکومتی امیر نصر دوم سامانی آشنا کند و در ادامه به تأثیر فرهنگ اسلامی در اشعار رودکی، شاعر مشهور شعر فارسی بپردازد. تحلیل ابیات وی می تواند به شناخت پیشینه ی فرهنگ ایران اسلامی و پویایی شعر پارسی کمک شایانی کند.

واژه های کلیدی: رودکی، فرهنگ، اسلام، دوره سامانی.

^۱ داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

۱- مقدمه

به تاثیر فرهنگ ها بر یکدیگر اگر در زمانهای گذشته باشد، اشاعه فرهنگی^۲ می گویند و اشاعه اجباری زمانی رخ می دهد که یک فرهنگ، فرهنگی دیگر را مطیع خود سازد (غلبه^۳ یا انقیاد^۴) و آداب و رسوم خود را به فرهنگ مغلوب تحمیل نماید. (صالحی امیری، ۱۳۸۶) پس از وقوع جنگ در هر کشوری به ویژه اگر منجر به فتح سرزمین مورد تهاجم شده باشد؛ اشاعه فرهنگی بین هر دو کشور روی می دهد که امری غیر قابل انکار است و این شاید موردی بود که پس از جنگ قادسیه در ۱۴ هجری قمری (۶۳۵ میلادی) (پرویز، ۱۳۶۳) و شکست ایرانیان در مقابل اعراب رخ داد. درست است که به اعتقاد اکثریت مورخین، ایرانی فرهنگ خود را حفظ کرد و آداب و رسوم ایرانیها همانگونه که بود باقی ماند ولی تاثیر ورود دین اسلام در فرهنگ ایرانی بسیار ملموس است به قدری که پس از ظهور اسلام در ایران؛ سرزمینی غنی از فرهنگ و تمدن باستانی، جلوه ای خاص در تمام زمینه های فرهنگ پدیدار شد و ادبیات فارسی نیز از آن بی بهره نگشت. تاثیر آموزه های دینی و الهام از قرآن و حدیث در شعر شاعران پارسی آمیخته شد و کلام آنها رنگ و بوی ایرانی اسلامی گرفت. اشعار به جا مانده از رودکی که به حق پدر شعر پارسی نامیده شده است؛ از سویی با تنوع موضوعات همراه است که حکایت از گستردگی دانش و عمق بینش این شاعر ایرانی دارد (جهانگیر، ۱۳۹۴) و از سویی دیگر در ابیاتی چون

شب عاشق_____ت ليله القدر است چون تو بی_____رون کنی رخ از جلبیب

به صراحت به سوره ی قدر اشاره می کند و حدیث «إذا كان ليلة القدر نزل جبرئيل في كعبه من الملائكة يصلون ويسلمون على كل عبد قائم او قائم يذكر الله تعالى؛ وقتی شب قدر فرا رسد جبرئیل همراه با ملائکه با شکوه می آیند و بر بندگان خدا که در حال ایستاده و نشسته هستند درود و سلام می فرستند.»

و بسیار ابیاتی دیگر. این موضوع ضرورتی است که نویسندگان را بر آن داشت که ضمن بررسی تمامی اشعار به جامانده از رودکی در پی پاسخ به این سؤال باشند که:

فرهنگ اسلامی در اشعار رودکی در دوره ی امیر نصر دوم سامانی تا چه اندازه تاثیر گذار بوده است؟

۲- ادبیات تحقیق

مدل پیشنهادی مقاله شامل ۳ بخش روند شکل گیری حکومت سامانیان تا پادشاهی امیر نصر دوم سامانی، رودکی و امیر نصر دوم سامانی و دیوان رودکی است که خلاصه ای درباره هریک مطالبی را بیان خواهیم کرد.

۲-۱- روند شکل گیری حکومت سامانیان تا پادشاهی امیر نصر دوم سامانی

آغازین سالهای قرن سوم هجری/نهم میلادی، منطقه ی ماوراءالنهر شاهد پدیدار شدن نخستین هسته های حکومتی شد که آثار و برکات ارزشمندی را در لوح جاویدان سرزمین ایران و اسلام باقی گذارد. رستاخیز عظیم فرهنگی-تمدنی این دودمان که

1. Cultural diffusion

2. Enslave

3. Conquer

در سایه ی نظام استوار سیاسی-نظامی، در قرن سوم پی ریزی شد، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام را شکوفا و پربار کرد. ظهور سامانیان، آینده ی شرق خلافت را رقم زد و زمینه های مناسبی را برای تبلور نبوغ ایرانی فراهم ساخت. (فارمر، ۱۹۶۷)



شکل ۱. آرامگاه امیر نصر دوم سامانی - بخارا

و به گفته ی عنصری بلخی:

نه تن بودند ز آل سامان مشهور هر یک به امارت خراسان مأمور
اسماعیلی و احمدی و نصری دو نوح و دو عبداًلملك و دو منصور

(عنصری بلخی، ۱۳۶۳) دوره ای که مدنظر این مقاله است دوره ی مربوط به امیر نصر دوم سامانی نصر بن احمد بن اسماعیل معروف به امیر نصر دوم سامانی (۳۰۱-۳۳۱ ق/۹۴۳-۹۱۴ م) است که در آن روزگار به نقل از دولت‌شاه سمرقندی فرهیختگان در حد منزلت خویش جایگاه و موقعیت یافتند و فاضلان و عالمان برای خود اکرام و احترام لازم داشتند. (دولت‌شاه، ۱۳۳۸) نظامی نیز معتقد است؛ وجود همین فرزندانگانی اسباب جاودانگی دولت سامانیان را فراهم کرد. (نظامی عروضی، ۱۳۷۲)

۲-۲- جایگاه ادبیات فارسی در دوره سامانیان

به استناد بررسی های دکتر جواد هروی سروده های رودکی، عنصری، خاقانی، ابوریحان بیرونی، اصطخری و دیگران همگی تاییدی بر عدالت و رعیت پروری و بسط علم و فرهنگ و آزادیهای سیاسی-اجتماعی در دوره سامانیان است. تلاش سامانیان در خلق هسته های نوین فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی امری غیر قابل انکار، و به خدمت گرفتن اقتدار سیاسی-نظامی در راستای تکوین هویت ملی یک نبوغ خردمندانه بوده است. (هروی، ۱۳۹۳)

پروفسور پوپ عصر سامانیان را در خراسان تکوین یک رستاخیز اصیل ایرانی، که موجد پیدایی فرهنگ و هنر تازه ای با ویژگیهای ایرانی شد، می داند. او هم چنین این دوره را از بارزترین و خلاق ترین ادوار تاریخ ایران که ادبیات، هنرهای گوناگون و علوم، از شور و شوقی جدی و سرشار برخوردار شده اند بر می شمارد. (پوپ، ۱۳۶۶) اشپولر یکی از محققان صاحب نظر نیز به صراحت اذعان می کند که: «حیات فرهنگی در واقع با روی کار آمدن سامانیان بود که به سرانجام رسید.» (اشپولر، ۱۳۶۹)

او هم چنین در جایی دیگر سامانیان را نخستین احیاگران و مروجان معنویت و روح ایرانی بر می شمارد. (اشپولر، ۱۳۶۴) رمز جاودانگی روزگار سامانیان و ستایش جهانیان از این عصر، در دستاوردهای عظیم و خیره کننده ی آن در عرصه های گوناگون علمی و هواخواهی از فکر و اندیشه است. سامانیان آفرینش گران عصری در تاریخ شدند که نخبگان را به عنوان اخلاف صالح عهد طلایی یونان باستان باید شمرد. زیرا که معلم ثانی (ابونصر فارابی)، بطلموس ثانی (ابونصر عراق)، جالینوس ثانی (ابوعلی سینا)، بقراط ثانی (ابوطیب شیرازی) و... همگی محصول رستاخیز این روزگارند. تب و تاب ایرانیان در عصر سامانیان حاکی از حضور مجدد این مردم در عرصه های سیاسی و نظامی و به ویژه فرهنگی پس از دو قرن است. (هروی، ۱۳۹۳)



شکل شماره ۲. قلمرو ایران در دوره سامانیان (هروی، ۱۳۹۳)

جوئل کرمر، از سر انصاف در تحلیلی گسترده، مرکز رنسانس ایرانی-اسلامی را که منجر به رشد شعر و فلسفه و ادبیات شد، خراسان روزگار سامانیان قلمداد می کند. (کرمر، ۱۳۷۵) به قول اسلامی ندوشن: «شاهنامه، نیروی جهنده ی یک قوم در دوران توانمندیش سروده شد. شاهنامه آخرین صلاهی خردورزی بود، سرگذشت مردمانی که پایشان بر زمین محکم است بی آنکه از آسمان بریده باشند. شاهنامه اراده ی بودن و برجای ماندن ملت ایران را با آوایی بلند اعلام کرده است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۹) مسلماً چنین خطابی به دوران سامانیان و خراسان قرن چهارم هجری بوده است و بس. (هروی، ۱۳۹۳: ۶۱) هم چنین اسلامی ندوشن در مقاله ی هویت ایرانی در دوران بعد از اسلام آورده است: «بر اثر سیاست سامانیان، نوعی تجدید خاطره ی ایران گذشته، باب روز می شود و منجر به شاهنامه پردازی می گردد که از ابوالموید بلخی، عماره ی مروزی، دقیقی شاهنامه ابومنصوری آغاز می گردد و در شاهنامه فردوسی به کمال می پیوندد.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۷) بدین ترتیب این واقعیت قابل ملاحظه است که بسیاری از محققان و نویسندگان معاصر بر اینکه در دوره ی سامانیان رستاخیزی بر پا شده که تمامی بنیادهای فرهنگی و تمدنی ایران و اسلام را دگرگون ساخت و عصر جدیدی از تکوین مبانی فکری را پی ریزی کرده است، اتفاق نظر دارند. (هروی، ۱۳۹۳) ولی یکی از عظیم ترین تحولات فرهنگی ایران در عصر سامانی در عرصه ادبیات و نظم و نثر بروز کرد. این تحول خود خبر از خلاقیت عمیق عنصر ایرانی داشت. اگرچه بسیاری تلاش کرده اند که روزگار غزنویان را دوره ی اعتلای نظم و نثر بدانند و لذا گستردگی و کثرت ادبا و شعرای عصر غزنوی و دربار سلطان محمود را گواه بر این مدعای خود گرفته اند. به گفته ی ملک الشعرا بهار، ادبیات نظم و نثر در دوره ی غزنویان از پویایی و خلاقیت افتاده است و حتی نثر کاملاً از تحول باز ماند و لذا «هنوز کتابی که به نثر فارسی در اوای قرن پنجم هجری برای ملوک غزنه یا ملوک سمرقند نوشته شده باشد به دست ما نیامده است...» [بهار، ۱۳۷۳] جالب اینجاست که همین تحول ادبی، با وجود اینکه

بیشترین تقویت و نیرو را از دربار سامانی گرفت، لیکن کمترین تاثیر را نیز از خاندان سامانی بر خود پذیرفت. به عبارتی دیگر، ادبیات نظم و نثری که در سایه ی حمایت و پشتیبانی امرای سامانی، توسعه و گسترش یافت هیچ گاه در خدمت مدح آنان در نیامد. (هروی، ۱۳۹۳) در همین زمینه شادروان حبیب الهی می گوید: «آنچه تفحص کرده ام، در دیوان هیچ یک از شاعران زبان فارسی، شعری که در ستایش آل بویه و پادشاهان دیلم باشد دیده نمی شود. در صورتی که هزاران شعر عربی در مدح آنها و وزیران ایشان موجود است. اینجاست که باید بگویم این خراسانیان بودند که زبان فارسی را زنده نگه داشتند و باعث حفظ ملیت و استقلال ایرانیان شدند و سامانیان بودند که مروج و مشوق توسعه و بسط زبان شدند.» (حبیب الهی، ۱۳۶۳)

۲-۳- رودکی و امیر نصر سامانی (۳۳۰-۲۵۰)

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی از نام آورترین شاعران شعر و ادب فارسی و به حق پایه گذار و پدر شعر فارسی است. نام او در میان شاعران ایران زمین در صدر قرار دارد چنانچه حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده آورده است: «مقدم شعرای فرس است و پیش از وی اهل عجم شعر عربی گفتندی.» (طاهری، ۱۳۹۴) او در میانه ی سالهای ۲۹۰ در زادبوم خود، به عنوان شاعر و خنیاگر شهرتی بهم رسانیده بود. به این ترتیب دربار سامانی از او دعوت کرد، و این دعوت به عنوان پذیرفتن بلوغ یک شاعر بود. رودکی از همان نخست، در میان امرا و وزرای سامانی چیزی بالاتر از حامیان سخاوتمند شعر جست و جو می کرد؛ یعنی در آن ها به برانگیختن و تقویت آن نیرویی می پرداخت که به ایجاد و شکوفایی یک دولت نیرومند و مستقل و جانبدار فرهنگ اصیل ایرانی مدد می رساند. (همان) رودکی شاعر بلند پایه ی زبان فارسی، با وجود همزیستی و همجواری با امرای سامانی، هیچ گاه زبان به مداحی و تملق آنان نگشوده است. او تنها در چند مورد کلی، کرامت این خاندان را چنین اشاره می کند:



شکل شماره ۳. آرامگاه رودکی - پنج رود

کرا بزرگی و نعمت ز این و آن بودی ورا بزرگی و نعمت ز آل سامان بود
امروز به هر حالی بغداد، بخارا است کجا میر خراسانست، پیروزی همان جاست
ساقی تو بده باده و مطرب تو بزن رود تا می خورم امروز، که وقت طرب ماست

می هست و درم هست و بت لاله رخان هست غم نیست و گر هست، نصیب دل اعداست

(رودکی، ۱۳۷۳)

" گویند سه کس از شعراء، در سه دولت، اقبالها دیدند و قبولها یافتند که کس نیافت: رودکی در عهد سامانیان، نصری در عهد محمودیان و معزی در دولت سنجریان. " (جامی، ۱۳۷۴) رودکی توانسته بود در رنگ آمیزی و روشنگری، حسن ادا و لطیف تعبیر، رسائی، سلاست و روانی و تناسب عبارات، گوی سبقت را از همه معاصران خویش برآید. به طوری که در میان عرب و عجم زبانزد خاص و عام گردد... او با توانمندی که در ایجاز سخن و تلفیق عبارات داشت، شعر فارسی را از زیر سلطه ی شعر عربی و خصایص آن بیرون آورد و آن را به راه اصالت خاص خویش انداخت و به نهایت پختگی و کمال رساند... و قالبهای نوینی را برای شعر فارسی ابداع نمود. (همایون فرد، ۱۳۶۵) در روزگار امیر نصر دوم سامانی، فرهیختگان در حدمنزلت خویش جایگاه و موقعیت می یافتند و فاضلان و عالمان برای خود اکرام و احترام لازم داشتند. (هروی، ۱۳۹۳) به گفته ی نظامی عروضی، وجود همین فرزندانگانی اسباب جاودانگی دولت سامانیان را نیز فراهم کرد. (نظامی، ۱۳۷۲) بنابراین رودکی و روزگار او، هر دو در بر دارنده ی استعدادهای خلاقانه و مستعد بودند. به همین سبب نیز دولت شاه سمرقندی در پادشاه امیر نصر دوم سامانی به رودکی، ناباورانه به هشتاد هزار درم نقره انعام یاد می کند و اینکه فرزندانگانی به رتبت بالا کشیده می شدند و به حرمت در خور و پادشاه لایق اختصاص می یافتند. سپس دولت شاه این وضع را با دوران خود مقایسه می کند که: «در این روزگار ناهلان و بی استحقاقان مدعی این شغل شده اند، هر جا گوش کنی زمزمه ی شاعری است و هر جا نظر کنی لطیفی و ظریفی و ناظری است لیکن شعر را از شعیرو ردف را از ردیف نمی دانند.» (دولت شاه سمرقندی، ۱۳۳۸)

۳- روش تحقیق

شیوه تحقیق؛ توصیفی از نوع کتابخانه ای با روش مستندنگاری تاریخی و رجوع به منابع معتبر با استفاده از فیش های مطالعاتی بوده است. هدف از نگارش این مقاله، تاثیر فرهنگ اسلامی بر اشعار رودکی است و در این راستا، به صورت اجمالی به زندگی آن شاعر و اوضاع تاثیر گذار سیاسی، اجتماعی و ادبی در عصر امیر نصر دوم سامانی پرداخته شده است. بررسی تاثیر فرهنگ اسلامی در تک به تک ابیات رودکی؛ که تا به حال بدین شیوه کسی به آنها نپرداخته است، سبب می شود تا پیامهای حکمت و بینش پدر شعر پارسی از سویی به گوش اهل پژوهش رسد و از سویی دیگر موجب رویکرد فزاینده ای در اهمیت حفظ و نگهداری آنها گردد.

۴- یافته های تحقیق

در میان نسخه های خطی دیوان شعرای ایران کتاب کوچکی شامل به تفاوت ۹۵۱ تا ۱۱۲۱ بیت وجود دارد که به نام دیوان رودکی معروف است، که تعدادی از ابیات قطران نیز به اشتباه به نام رودکی در آن افزوده شده است ولی نسخه چاپ تهران دارای ۱۱۷۰ بیت است. (طاهری، ۱۳۹۴) این دیوان شامل ۸ باب است که به ترتیب به آنها خواهیم پرداخت:

باب اول؛ قصاید و قطعات و ابیات پراکنده ی به هم پیوسته

باب دوم، ۴۳ رباعیات

باب سوم، ۱۷۸ ابیات پراکنده که به هم پیوسته نیست

باب چهارم، ۱۲۹ ابیات پراکنده از مثنوی بحر رمل دو منظومه کلیله و دمنه و سندبادنامه

باب پنجم؛ ۴۳ ابیات پراکنده از مثنوی بحر متقارب

باب ششم؛ ۲۸ ابیات پراکنده از مثنوی بحر خفیف

باب هفتم؛ ۱۳ ابیات پراکنده از مثنوی بحر هزج

باب هشتم؛ ۹ ابیات پراکنده از مثنوی های اوزان دیگر مثنوی بحر مضارع، بحر سریع، بحر هزج

بیشتر ابیاتی که درباره ی آنها امکان مطالعه و بررسی وجود داشت مربوط به دو باب اول و دوم دیوان رودکی است، که شاید دلیل آن پیوستگی ابیات در قالب قصاید، قطعات و رباعیات است. در باب های دیگر پراکندگی ابیات مانع از بررسی های منسجم می باشد.

برتلس معتقد است که رودکی بر زبان عربی تسلط کاملی داشته که توانسته است فرهنگی عربی- فارسی را به شعر درآورد. (برتلس، ۱۳۷۳)

دیوان اشعار رودکی را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

۴-۱- ابیاتی که اشاره ای صریح به عبادات و دستورات اسلامی دارند.

رودکی نیز مانند رمز و رموز سرودن شعر در میان اکثریت شاعران، کمتر به صراحت به مسائل عبادی اسلامی پرداخته است؛ در دیوان اشعار وی جز چند بیت اندک موردی به چشم نمی خورد.

● مکی به کعبه فخر کند، مصریان به نیل ترسا به اسقف و علوی بافتخارجد

علوی در کل شامل فرزندان پاک امیر المومنین - علیه السلام - و اصحاب و دوستان آن حضرت می باشد و نیز به کسانی اطلاق می شود که در روز غدیر خم، با حضرت بیعت کرده و نسبت به آن پایدار ماندند. (سبحانی، ۱۳۷۲: ۴۰۵)

● کسی را که باشد بدل مهـــــــــــــــــر حیدر شود سرخ رو در دو گیتــــــــــــــــی به آور

ایا سر و بن، در تـــــــــــــــــک و پوی آنم که: فرغـــــــــــــــــد آسا بیچم به تویر

در برخی روایات یکی از نامهای امام علی (ع) «حیدر» معرفی شده است. یکی از آن روایات، روایتی است که داستان جنگ خیبر را نقل می کند. بر اساس این روایت امام علی (ع) هنگام مواجهه با مرحب (پهلوان یهودیان خیبر) (راوندی، ۱۳۷۸) خود را به نام «حیدر» معرفی می کند. (مفید، ۱۳۸۰) این ابیات با حدیث نبوی «یا علی لایحکبک الا مؤمن تقی» یا علی دوست ندارد تو را مگر مؤمن با تقوا (صادقی اردستانی، ۱۳۷۱) مرتبط است.

● روی به محـــــــــــــــــراب نهادن چه سود؟ دل به بخـــــــــــــــــارا و بتـــــــــــــــــان تراز

ایزد ما و سوسه ی عاشقی از تو پذیرد، نپذیرد نمـــــــاز

به احتمال زیاد، تلمیحی به حدیث معروف «لا صلاه آلا بحضور القلب» است. نماز درست نیست مگر به حضور قلب، یا با حدیث رسول اکرم (ص) «انما آلا الاعمال بالنیات» کارها به نیت ها وابسته است و یا حدیثی از علی (ع) که می فرماید: «إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِنَّمَا لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ». بنده‌ای که در برابر خدا می‌ایستد باید از آشفتگی فکری خود بکاهد، زیرا از نماز همان مقداری که حضور قلب داشته نصیب اوست. (حرانی، ۱۴۰۴ ه.ق)

● خدای را بســـــــتودم که کردگار منست زبانم از غزل و مدح بنـــــــدگانش نسود

● الهی، از خودم بســـــــتان و گم کن به نور پاک بر من اشـــــــتلم کن

این بیت در قالب مناجات سروده شده است.

۴-۲- ابیاتی که تفکر فلسفی اسلامی دارند.

بیشتر ابیات مورد نظر در این بخش در لفافه ای از تلمیح و لطافت ادبی در باب آموزه های دینی سروده شده است.

تعدادی از ابیات باب اول همچون خاصیت ممتاز شعر رودکی در ابعاد مختلف اعتقادی و اجتماعی سروده شده است و به مضامین مختلف اخلاقی و پند و نصیحت پرداخته شده است. در این باب دو مدح یکی در مدح نصر بن احمد آمده است که صفت بخشش وی را مدح کرده است و دیگری در مدح وزیر ابوالطیب الطاهر المصعبی که صفت جود وی قابل مدح است:

● مرا جـــــــود او تازه دارد همی مگر جـــــــودش ابرست و من کشت زار

و دو مرثیت که اولی برای مرثیتی ابوالحسن مرادی سروده است که اندر احوالات مرگ و جهان آخرت و زندگی دوباره است و دومی در مرثیت شهید بلخی است.

● توشه ی جـــــــان خویش از و بر بای پیش کایـــــــدت مرگ پیش آگیش

آن چه با رنج یافتـــــــیش و بذل تو به آســـــــانی از گزافه مدیش

و ابیات دیگری که نشان از فلسفه و بینش اسلامی رودکی دارد:

● جهان این است و چونیـــــــن است تا بود و همچونیـــــــن بود اینند یارا

به یک گردش به شاهنـــــــشاهی آرد دهد دیهیـــــــم و تاج و گوشوارا

دلا تا کی هـــــــمه جویی منی را؟ چه داری دوســـــــت، هرزه دشمنی را؟

چرا جـــــــوی وفا از بی وفایی؟ چه کوبـــــــی بیخده سرد آهنی را؟

بیت اول، ترجمه گونه ای است از آیه اول سوره ی انسان «هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا؟» آیا بر انسان زمانی از روزگار گذشت که چیزی در خور ذکر نبود؟ در ادامه شاعر به عنوان یک حکیم و واعظ به انسانها اندرز می دهد و با نكوهش خودبینی، آن را با بی وفایی دنیا مقایسه می کند و این کار بیهوده را ملامت می کند، مرتبط است با آیات ۳۶ سوره ی نساء و آیات دیگر مثل آیه ی ۱۸ سوره ی لقمان و آیه ی ۲۳ سوره ی حدید «ان الله لا یحب من كان مختالاً فخوراً» همانا خداوند دوست ندارد آن را که خودبین است. نكوهش خودبینی در نهج الفصاحه حدیث ۶۵۶ نیز آمده است: «ان العجب لیحبط عمل سبعین سنه. خود پسندی عمل هفتاد ساله را نابود می کند.» هم چنین در حدیث ۳۲۰۳ نیز چنین فرموده است: «یا عجا کل العجب للمصدق بدار الخلود و هو یسعی لدار الغرور. سخت در عجبم از آن که خانه جاوید را باور دارد و برای خانه غرور بکوشد.»

و یا ابیاتی که به بی وفایی دنیا اشاره می کند

● به سرای سپنج مهمان را دل نهادن همیشه گی نه رواست

زیر خاک اندرونست باید خفت گرچه اکنونت خواب بر دیبست

با کسان بودنست چه سود کند که به گور اندرون شدن تنهاست

یار تو زیر خاک مور و مگس چشم بگشا، ببین، کنون پیدااست

ترکیب سرای سپنج، ترجمه گونه ای است از حکمت ۱۳۳ در نهج البلاغه: الدنيا دار ممر و لا دار مقر. دنیا خانه گذار است نه خانه قرار (جان نثاری، ۱۳۸۸) بیت اول نظر به آیه ی ۳ سوره ی هود دارد: «یمتعکم متاعا حسنا الی اجل مسمی. تا این که شما را بهره نیکو دهد تا زمانی معین.» و بیت دوم تصویر سازی استادانه ای است از آیات ۸۸ و ۸۹ سوره ی شعرا «لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم. روزی که مال و فرزندان سودی ندارند مگر کسی که قلب سلیم دارد.»

مکن خویشتن از ره راست گم که خود را به دوزخ ببری بافدم

در قران کریم هدایت به راه راست بارها سفارش شده است. در آیات متعددی مثل آیه ی ۶ سوره فاتحه «اهدنا الصراط المستقیم» ما را به راه راست هدایت کن. یا آیه ی ۶۱ سوره ی یس «و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم» و این که مرا بپرستید که راه مستقیم این است.

● مرد ادب را خرد فزاید و به حکمت مرد خرد را ادب فزاید و ایمان

● دانش اندر دل چراغ روشنست وز همه بد بر تن تو جوشنست

دین اسلام نیز به علم اندوزی سفارش و تاکید بسیاری کرده است و این چنین سفارشی را در کمتر دین الهی می توان سراغ گرفت. اصل کلمه ی علم بارها در قرآن کریم به کار رفته و در کنار آن واژگانی چون حکمت، برهان، فکر و مانند آنها بارها تکرار شده اند. در احادیثی که از رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) نقل شده است تجلیل از علم و فضیلت علما به چشم می خورد. در اسلام دانشمند مسئولیتی گران بر عهده دارد، زیرا دانشمند بی اخلاق افراد را به گمراهی راهنمایی می کند. این تاکید بر داشتن اخلاق در کنار علم آموزی، مکتب آموزش و پرورش اسلام نام دارد. (ولایتی، ۱۳۸۴) در آیات فراوانی به اهل معرفت و

عالمان اشاره شده است. در آیه ی ۴۳ سوره ی عنكبوت آمده است «و تلك الأمثال نضر بها للناس و ما يعقلها أآ العلمون» و ای مثل ها را برای مردم می زنییم، ولی جز اهل معرفت و دانش در آنها تعقل نمی کنند و یا در بخشی از آیه ی ۹ سوره ی الزمر آمده است: «...قل هل يستوی الّذین یعلمون و الّذین لا یعلمون إنّما یتذکر اولوالالباب» بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی بهره از معرفت و دانش اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می شوند.

● ایزد هـ_____رگز دری نبندد بر تو تا صد دگر به بهت_____ری نگشاید

● کار چون بس_____ته شود بگشایدا وز پس هر غ_____م طرب افزایدا

اشاره به آیه ی ۱۰۶ سوره ی بقره است «ما ننسخ من ء آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أنّ الله علی کلّ شی ء قدیر» هر آیه ای را که از میان بر می داریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا ماندش را می آوریم آیا ندانسته ای که خدا بر هر کاری تواناست؟

ابیات مذکور مصداق صریح آیه ی ۵ سوره شرح است «فإنّ مع العسر یُسراً» پس بی تردید با دشواری آسانی است.

● بیا دل و جان را به خداوند سپاریم اندوه درم و غم دی_____نار نداریم_____م

مفهوم توکل در اسلام است به مصداق آیه ی شریفه ی ۸۱ سوره ی نساء «و یقولون طاعه فإذا برزوا من عندک بیّت طائفة منهم غیر الّذی تقول و الله یکتب ما یتون فأعرض عنهم و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً» و می گویند: ما مطیع و فرمانبرداریم، ولی هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، گروهی از آنان در شب نشینی های مخفیانه خود بر خلاف آنچه تو می گویی تدبیر می کنن. خدا آنچه را که در شب نشینی های مخفیانه تدبیر می کنند می نویسد. بنابراین از آنان روی برتاب و بر خدا توکل کن و کارساز بودن خدا کافی است و یا در آیه ی ۶۱ سوره ی الانفال آمده است «و إن جنحوا للسّلم فانجح لها و توکل علی الله إنه هو السّمع العلیم» و اگر دشمنان به صلح گرایند، تو هم به صلح گرای و بر خدا توکل کن که یقیناً او شنوا و داناست.

● این کار سم_____ایی بد، نه قوت انسان کس را نب_____ود قوت به کار سمایی

اشاره به قدرت بی شک خداوند است همانگونه که در آیه ی ۳۷ سوره انعام آمده است «و قالوا لو ا نزلّ علیه ء آیه من ربّه قا إنّ الله قادرٌ علی أن ینزلّ ء آیه و لکنّ اکثرهم لا یعلمون» و گفتند چرا معجزه ای از سوی پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو: یقیناً خدا قدرت دارد که معجزه ای نازل کند، ولی بیشترشان نمی دانند.

● واجب نبود به کس بر، افضال و کرم واجب باش_____د هر آینه ش_____کر نعم

در تاکید شکرگزاری و اشاره به آیه ی ۱۹ سوره ی النمل است «فتبسّم ضاحکاً من قولها و قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک الّتی أنعمت علیّ و علی ولدی و أن أعمل صلحاً ترضه و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصّالحین» پس سلیمان از گفته اش با تبسم، حالت خنده به خود گرفت و گفت: پروردگارا! به من الهام کن تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم عطا کرده ای به جای آورم، و اینکه کار شایسته ای که آن را بپسندی انجام دهم، و مرا به رحمت در میان بندگان شایسته ات درآور.

● به چشم_____م دلت دید باید جهان که چشم س_____ر تو نبیند_____نهای

بدن آشک_____ارت ببین آشکار نهانی_____ت را بر نهانی گم_____ار

واژه ی بصیر در قرآن بسیار تکرار شده است. در آیاتی چون ۵۰ سوره ی انعام آمده است «قل لآ أقول لکم عندی خزائن الله و لأعلم الغیب و لا أقول لکم إنی ملک إن أتبع إلآ ما یوحی إلیّ حق هل یستوی الأعمی و البصیر أفلا تتفکرون» بگو: من به شما نمی گویم که خزینه ها و گنجینه های خدا نزد من است و نیز غیب هم نمی دانم و نمی گویم که فرشته ام؛ فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می کنم. بگو: آیا نابینا[اعراض کننده از وحی] و بینا[پیرو وحی] یکسانند؟ پس چرا نمی اندیشید؟

یا آیه ی ۱۹ سوره ی فاطر «و ما یستوی الأعمی و البصیر» نابینا و بینا[کافر و مومن] یکسان نیستند.

۳-۴-۱- در این بخش، اگرچه ظاهر اشعار بر پایه ی مفاهیم یار و عشق و دلباختگی است ولی چیزی که در بطن شعر واقع است کلماتی کلیدی چون محراب، کعبه، شب قدر، روزه، ماه شب عید[فطر]، تسبیح و... است.

در این بخش ابیاتی به وفور به چشم می خورند که اگرچه در ظاهر در باب شکوه از عشق و معشوق، وصف جمال یار و دلباختگی است ولی با فن تشبیه و استعاره از واژگان اسلامی استفاده شده است.

در ابیاتی که به قول منصور از وصف معشوق می سراید (منصور، ۱۳۸۷)

● گل صد برگ و مشک و عنبر و سیب یاسمــــــــــــــــــــین سپید و مورد بزیب

این همه یکســــــــــــــــــــره تمامم شدست نزد تو، ای بــــــــــــــــــــت ملوک فریب

شب عاشقت لیلـــــــــــــــــــــه القــــــــــــــــــــدرست چون تو بیرون کنی رخ از جلــــــــــــــــــــیبیب

به حجاب انــــــــــــــــــــدرون شود خورشید گر تو برداری از دو لاله حجــــــــــــــــــــیب

و آن زنخــــــــــــــــــــدان بسیب مانند راست اگر از مشــــــــــــــــــــک خال دارد سیب

یا بیت دیگری

شب قدر و صــــــــــــــــــــلت ز فرخندگی فرح بخش تر از فرســــــــــــــــــــنا فدست

با اینکه کل مفهوم شعر، عاشقانه است، به قول جان نثاری شاعر از ابزار حل بهره گرفته و قسمتی از آیه را با همان مضمون عربی آورده است. (جان نثاری، ۱۳۸۸) و به صراحت به سوره ی قدر اشاره می کند «و ما ادریک ما لیلـــــــــــــــــــــه القدر لیلـــــــــــــــــــــه خیر من الف شهر» و تو چه می دانی شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است. (سوره قدر، آیه ی ۲ و ۳) و حدیث «اذا کان لیلـــــــــــــــــــــه القدر نزل جبرئیل فی کبکبه من الملائکه یصلون و یسلمون علی کل عبد قائم او قائد یدکر الله تعالی؛ وقتی شب قدر فرا رسد جبرئیل همراه با ملائکه با شکوه می آیند و بر بندگان خدا که در حال ایستاده و نشسته هستند درود و سلام می فرستند.»

● دوستــــــــــــــــــــا، آن خروش بربط تو خوشتر آید به گوشــــــــــــــــــــم از تکبیر

تکبیر یا بزرگ شمردن پروردگار از ذکرهای مسلمانان است که در فریضه های مختلفی چون نماز بدان تاکید شده است. در آیه ی ۱۱۱ سوره ی الاسراء آمده است «و قل الحمداله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له و شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا» و بگو همه ستایش ها ویژه خداست که نه فرزندی گرفته و نه در فرمانروایی شریکی دارد و نه او را به

سبب ناتوانی و ذلت یار و یآوری است. و او را بسیار بزرگ بشمار. در این بیت آهنگ خروش بربط یار خوشتر از تکبیر وصف شده است.

● شد روزه و تسبیح و تراویح به یک جای عید آمد و آمد می و معشوق و ملاهی

چون ماه همی جستم شب عید همه خلق من روی تو جستم، که مرا شاهی و ماهی

رؤیت هلال ماه بیشتر موبوط به جامعه اسلامی و مسلمانان است، بنای اسلام هم بر سال و ماه قمری است. اهمیت ماه های قمری به آن جهت است که بسیاری از اعمال عبادی همچون روزه، حج و ... با رویت هلال به خصوص هلال ماه شوال ارتباط تام دارد. رودکی جمال روی یار را به ماه شب اول شوال تشبیه می کند و روی یار را ماه شب عید می داند.

● در عشق، چو رودکی، شدم سیر از جان از گریه ی خونین مژه ام شد مرجان

القصة که: از بیستم عذاب هجران در آتش رشکم دگر از دوزخیان

کلمه ی دوزخ و یا معادل عربی آن جهنم در قرآن کریم بارها آمده است به طور مثال در آیه ی ۱۲ سوره ی آل عمران «قل للذین كفروا واستغلبون و تحشرون إلى جهنم و بس المهاد» به کافران بگو به زودی شکست می خورید و به سوی دوزخ محشور می شوید و آن بد آرامگاهی است. و کنایه از اوج عذاب است، رودکی به زیبایی هجران یار را به آتش جهنم تشبیه می کند.

در باب دوم در شکوه از عشق به کلماتی چون کعبه، کلیسا، کفر و سجده اشاره می کند.

● از کعبه کلیسای نشینم کردی در کفر بی قریبم کردی

بعد از دو هزار سجده بر درگه دوست ای عشق، چه بیگانه ز دیدم کردی!

در این ابیات از داستان آفرینش آدم و سجده نکردن ابلیس در مقابل او استفاده شده است. در آیه ۱۱ سوره اعراف چنین آمده است «و لقد خلقناکم ثم صورناکم ثم قلنا للملائکته اسجدوا لآل ابلیس لم یکن من الساجدین» ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده و خضوع کنید. آنها همه سجده کردند جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود.

● با دو سه بوسه رها کن این دل از درد خنک تا به من احسانت باشد، احسن الله جزاک

در پایان بیت از عبارت عربی استفاده شده است که اشاره به پاداش خوبی در آیه ی ۴۱ سوره النجم است «ثم یجزئہ الجزاء الاوفی» سپس به تلاشش پاداش کامل خواهند داد. در آیه ی ۸۸ سوره ی کهف هم آمده است «و أمّا من ءامن و عمل صالحا فله و جزاء الحسی و سنقول له و من أمرنا یسرا» و اما هر که ایمان آورده و کار شایسته ای انجام داده است، پس بهترین پاداش برای اوست، و ما هم از سوی خود تکلیفی آسان به او خواهیم داد.

● تا درگه او یابی مگذرد به در کس زیرا که حرامست تیمم به لب یم

تیمم به معنی قصد کردن است ولی در اصطلاح شرعی اسلام عملی است که جایگزین وضو می شود که در صورت نبود آب بر نمازگزار واجب است. اشاره به آیه ی ۴۳ سوره ی نساء دارد «...فلم تجدوا ماء فتیمموا صعبا طیباً فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْواً غَفوراً»... و آبی برای وضو یا غسل آبیافتید، به خاکی پاک، تیمم کنید و بخشی از صورت و دستهایتان را مسح نمایید؛ یقیناً خدا همواره گذشت کننده و بسیار آمرزنده است و در وجوب تیمم در توضیح المسائل آمده است «اگر آب برای وضو یا غسل در دسترس نباشد و گرنه تیمم باطل است. (سبحانی، ۱۳۶۸)

۴-۳-۲- تلمیح از روایات اسلامی در سرودن اشعار

به قول برتلس پیداست که رودکی بر روایت های ایرانیان آگاه بود ولی با این همه در پاره های برجای مانده از شعرهایش، داستانهای قرآنی جای بیشتری دارند. (برتلس، ۱۳۷۳) یادآوری نامهای یعقوب، یوسف، نوح، عیسی، موسی و...را به وفور در اشعار وی می توان دید.

● نگارینا، شنیدسستم که: گاه محنت و راحت سه پیراهن سلب بوده است یوسف را به عمر اندر

یکی از کید شد پر خون، دوم شد چاک از تهمت سوم یعقوب را از بوش روشن گشت چشم تر

رخ مماند بدان اول، دلـــــم ماند بدان ثانی نصیب من شود در وصل آن پیراهن دیگر؟

این ابیات در باره ی داستان زیبای حضرت یوسف (ع) و کید و نیرنگی که برادرانش بر وی وارد کردند و تهمت زلیخا همسر عزیز مصر است. در آیه ی ۹۳ آمده است «اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یات بصیراً و اتونی باهلکم اجمعین» این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید تا بینا شود، و همه ی خانواده ی خود را نزد من بیاورید.

حکیمه دبیران معتقد است به رغم سرودن هزاران بیت توسط شاعران در شرح و توصیف ابعاد گوناگون سوره یوسف (ع)، هیچ کس هنوز نتوانسته است آن تعبیر زیبایی را که رودکی در سه بیت سه واقعه ی مربوط به پیراهن یوسف را جمع کرده است و از آن استفاده ی نیکو کرده و تعبیر و تصویر زیبا آفریده است بیاورد. (دبیران، ۱۳۸۷)

● به حُسن صوت چو بلبل چه رنجه کنم؟ به جرم حسن چو یوسف اسبـــــف اسبـــــر زندانی

در آیه ی ۳۳ سوره یوسف آمده است «قال ربّ السّجن احبّ الیّ ممّا یدعوننی الیه و الّا تصرف عتّی کیدهنّ اصب الیهنّ و اکن من الجاهلین» یوسف گفت: پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا به سوی آن می خوانند؛ و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من بازگردانی به سوی آنها متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود.

● یوسف رویی، کز و فغان کرد دلم چون دست زنان مصـــــریان کرد دلم

ز آغاز به بوسه مهـــــربان کرد دلم امروز نشانه ی غمـــــان کرد دلـــــم

این ابیات در باب وصف جمال یار با مصداق آیه ی ۳۱ سوره ی یوسف است «فلما سمعت بمکرهنّ ارسلت الیهنّ و اعتدت لهنّ متکاً و أتت کلّ واحده منهنّ سکیناً و قالت اخرج علیهنّ فلما راینه اکبره و قطعن ایدیهنّ و قن حاش لله ما هذا بشرأ ان هذا الّا ملک کریم» هنگامی که (همسر عزیز) نیرنگ آنها را شنید، به سراغشان فرستاد؛ و برای آنها پستی فراهم ساخت، و به دست هر کدام، کاردی (برای بریدن میوه) داد؛ و به یوسف گفت: بر آنان وارد شو! هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار باشکوه و زیبا یافتند، (بی توجه) دستهای خود را بریدند؛ و گفتند: منزّه است خدا! این بشر نمی باشد این جز یک فرشته ی بزرگوار نیست.

• **ور به بلور انـــــــدرون بینی کویی: گوهر سرخســـــــت به کف موسی عمران**

بربط عیسی و لون هـــــــای فوادی چنگ مدک نیرو نای چابـــــــک چابان

چنین تکرار اسامی پیامبران را در آیات فراوانی به وفور می بینیم. به طور مثال آیه ی ۱۶۳ سوره ی نساء «إِنَّا أَوْحِينَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحِينَا إِلَى نُوْحٍ وَ النُّبِيِّنَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحِينَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْإِسْبَاطَ وَ عِيسَى وَ أَيُّوبَ وَ يُونُسَ وَ هَارُونَ وَ سَلِيمَ وَ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا» ما به تو وحی کردیم، همانگونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان نیز وحی نمودیم؛ و به داوود، زبور دادیم.

• **لبت سیـــــــــــــــــــــب بهشت و من محتاج یافتن را همـــــــــــــــــــــی نیابـــــــــــــــــــــم ویل**

این بیت اشاره به داستان قرآنی خوردن میوه ی ممنوعه توسط آدم و رانده شده او از بهشت است. آیات متعددی در این رابطه وجود دارد مثل آیه ی ۱۹ سوره ی اعراف «و یا آدم اسکن أنت و زوجک الجنه فکلا من حیث شیءتما و اتقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین» و [گفتیم] ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید، و از هر جا که خواستید بخورید، و به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید شد.

مصادیقی که در سروده های این شاعر پارسی گوی وجود دارد به صراحت بر فضای ایرانی اسلامی که بر جامعه حاکم است دلالت دارد.

۵- بحث و نتیجه گیری

با اینکه اشعار باقی مانده از رودکی نسبت به حجم اولیه ی آن که در تذکره ها و منابع بسیار کم است، ولی از نظر ارزش های محتوایی و رشد و بالندگی در قلمرو اندیشه ها و بیان جنبه های مختلف ارزش های اخلاقی و انسانی شایسته ی توجه ویژه ای است. در این مقاله سعی بر آن شده است با روشی نوین و بررسی تک تک ابیات دیوان کامل رودکی، به مصادیق اسلامی آن در قرآن و تشابه موضوعات بیشتر پرداخته شود- یافته های پژوهشگران پیشین، آنگونه که در متن مقاله به آن اشاره شده است- در باب تعداد محدودی از ابیات و پیرامون موضوعات محدود مطالعه شده است- این تقسیم بندی و مطالعه ی کل دیوان با شیوه ای که کسی به آنها نپرداخته است امکان این را فراهم می کند تا بتوان بر فضای حاکم بر سالهای نخستین ورود اسلام به ایران اشرافیت داشت و جایگاه پذیرش اسلام در میان شعرا و به طور کل دنیای گسترده زبان و ادبیات فارسی را بیشتر شناخت. با بررسی کامل ابیات دریافتیم که اشعار رودکی گاهی به صراحت و گاهی در لفافه ای از طبع و طافت خاص اشعارش با استفاده از تلمیح و تشبیه و استعاره، به زیبایی مسائل ایرانی را با پذیرش قبلی اسلام به هم آمیخته و دنیای جدیدی در شعر پارسی ایجاد کرده است. این نوع نگرش به دیوان پدر شعر پارسی، می تواند دریچه هایی را بر روی پژوهشگران حوزه های ادبی و فرهنگی بگشاید تا بتوانند پیامهای والای آزاد اندیشی که مبین اندیشه ی ایرانی و هویت ملی است را دریابند.

منابع

کتابهای فارسی

۱. اشپولر، برتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. (۱۳۶۴). ترجمه جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد ۲، ص ۴۲۵.
۲. اشپولر، برتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. (۱۳۶۹). ترجمه مریم میر احمدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد ۲، ص ۲.
۳. برتلس، یوگنی ادواردویچ. تاریخ ادبیات (از دوران فردوسی تا پایان عهد سجوقیان). (۱۳۷۳). ترجمه سیروس ایزدی، تهران، انتشارات هیرمند، ص ۲۰۹ و ۲۲۸.
۴. بهار، محمد تقی. سبک شناسی. (۱۳۷۳). تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد ۲، ص ۶۲.
۵. پرویز، عباس. از عرب تا دیالمه. (۱۳۶۳). تهران، انتشارات علمی، ص ۲۵۰.
۶. پوپ، آ. معماری ایران. (۱۳۶۳). ترجمه غلامحسین صدری افشار، ارومیه، انتشارات انزلی، ص ۸۱.
۷. جامی، عبدالرحمن. بهارستان. (۱۳۷۴). تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران، انتشارات اطلاعات، ص ۹۶.
۸. حبیب اللہی، محمد. ارمغان نوید. (۱۳۶۳). اصفهان، انتشارات میثم تمار، ص ۲۰۰.
۹. حلبی، علی اصغر، ۱۳۸۳، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، تهران، دانشگاه پیام نور.
۱۰. دولت‌شاه سمرقندی. تذکره الشعراء. (۱۳۳۸). تهران، کلاله خاور، ص ۹.
۱۱. رودکی سمرقندی، ۱۳۷۳، دیوان رودکی سمرقندی، بر اساس نسخه ی سعید نفیسی و براگینسکی. تهران، انتشارات نگاه.
۱۲. رودکی سمرقندی، ۱۳۹۴، دیوان رودکی سمرقندی، به کوشش علی اصغر طاهری، مشهد، انتشارات داریوش.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر. توضیح المسائل. (۱۳۶۸) قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ص ۴۰۵.
۱۴. صادقی اردستانی، احمد. پانصد حدیث اعتقادی و اخلاقی. (۱۳۷۱). قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۳۱۶.
۱۵. صالحی امیری، سید رضا. مفاهیم و نظریه های فرهنگی. (۱۳۸۶). تهران، انتشارات ققنوس، ص ۴۵-۴۴.
۱۶. علی (ع)، ۱۳۸۵، نهج البلاغه، ترجمه علامه جعفری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. عنصری بلخی، حسن بن احمد. دیوان. (۱۳۶۳). به کوشش و مقدمه دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات سیاسی، جلد ۲، ص ۳۷۵.
۱۸. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله. جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام (ترجمه الخرائج و الجرائج). (۱۳۷۸). ترجمه ی غلامحسن محرمی. قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۱۷۶.

۱۹. کرم، جونل. احیای فرهنگی در عهد آل بویه. (۱۳۷۵). ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۳۸۵.

۲۰. محمد (ص)، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران، انتشارات دنیای دانش.

۲۱. مفید، محمد بن محمد. الإرشاد للمفید. (۱۳۸۰). ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، انتشارات اسلامی، ص ۱۱۳.

۲۲. نظامی عروضی سمرقندی. چهار مقاله. (۱۳۷۲). تصحیح محمد قزوینی، تهران، انتشارات جامی، ص ۲۲ و ۴۴.

۲۳. هروی، جواد. تاریخ سامانیان عصر طلایی ایران بعد از اسلام. (۱۳۹۳). تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۱۵ و ۴۵ و ۴۹ و ۵۷ و ۶۰ و ۶۱ و ۷۰ و ۳۰۲.

۲۴. همایون فرد، محمد صادق. کتاب شناسی رودکی. (۱۳۶۵). تهران، مرکز اسناد و مدارک علمی، ص ۲۲۱-۲۲۰.

۲۵. ولایتی، علی اکبر. فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. (۱۳۸۴). تهران، انتشارات سنا، ص ۷.

کتابهای انگلیسی

1. Farmer, C. f. H. G. A History Of Arabian Music, London, Luzac.

کتابهای عربی

۱. حرانی، حسن بن شعبه. تحف العقول عن آل الرسول. (۱۴۰۴ ه.ق). قم، انتشارات جامعه مدرسین، ص ۱۰۳.

۲. سیحانی تبریزی، جعفر. درسه موضوعیه مقارنه بحوث فی الملل و النحل. (۱۳۷۲). قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم للمذاهب الاسلامیه،

ص ۶۷۵.

مقاله

۱. اسلامی ندوشن، محمدعلی. هویت ایرانی در دوران بعد از اسلام. (۱۳۷۷). اطلاعات سیاسی - اقتصادی، موسسه اطلاعات، شماره ۱۲۹، ص ۵۲.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی. از تمدنهای باستانی چه بر می آید؟ (۱۳۷۹). اطلاعات سیاسی - اقتصادی، موسسه اطلاعات، شماره ۱۵۱-۱۵۲، ص ۸.
۳. جان نثاری، ناصر. رودکی و الهام پذیری از قرآن و حدیث. (۱۳۸۸). کیهان فرهنگی، موسسه کیهان، شماره ۲۷۲ و ۲۷۳، ص ۴۲-۴۹.
۴. جهانگیر، منصور. تنوع موضوعات در اشعار رودکی. (۱۳۷۸). کتاب ماه ادبیات، خانه کتاب، شماره ۱۳۱، ص ۷۹-۹۴.
۵. راد فر، ابوالقاسم، دبیران، حکیمه، خلیفه، بهمن، صادقی گیوی، حمیدی، سید جعفر، غلامرضایی، محمد. رودکی استاد شاعران: نشست علمی رودکی، زندگی و شعر او. (۱۳۸۸). کتاب ماه ادبیات، خانه کتاب، شماره ۱۳۱، ص ۲۵-۶.
۶. صادقی، مریم و سعید بزرگ بیگدلی. پیوند زبان و اندیشه در شعر رودکی. (۱۳۸۸). متن شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۲، ص ۶۶-۵۳.
۷. فولادی، محمد. نخستین سوگ نامه کربلا در شعر فارسی. (۱۳۸۵). فصلنامه شیعه شناسی، موسسه شیعه شناسی، شماره ۱۵، ص ۷۱-۸۴.
۸. قربانی زرین، باقر. جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری. (۱۳۸۳). سفینه، موسسه فرهنگی نباء مبین، شماره ۳، ص ۴۸-۳۲.

The influence of Islam in the poems of Rudaki in the period of Amir Nasr II

Mojir Madadi, Zahra Soleymani

1. *Department of management, Babol branch, Islamic Azad University, Babol, Iran*
2. *MA in History and Islamic Civilization & Secretary of the Department of Education Zanjan*

Abstract

Rudakie has been called as a giant Persian poet or father of Persian poetry and his poems have been estimated of about one hundred bits that they all disappeared except a few. Although the number of Rudakie`s literary remains very low however clearly the influence of Islamic culture in his literary observed. Various aspects of aesthetic expression and explanation of moral values and human issues and supply worldwide based on tolerance and opinions expressed anthropology and health in a society in simple words is Rudakie`s lyrics characteristics that make clear to the Islamic-Iranian identity. In fact his lyrics are the extract and abstract of Iranian culture has reinforced it and the more it has given value. The article is an attempt to make the reader familiar with all the aspects of literary under the rule of second Amirnasr using descriptive research and historical documentation and referring to the historical literary books.

Keywords: Rudaki, Cultral, Islam, Samani period
